

جعل

مقدمه‌ای

بر

حکم تعریفی

قانون مجازات عمومی

ماده ۹۷

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مهدی شهیدی
وکیل دادگستری
پرتال جامع علوم انسانی

ماده ۹۷ قانون مجازات عمومی جعل را تعریف کرده و مصادیق
را برای آن در نظر گرفته است.

مطلب در خور بحث: منظور قانونگذار از عبارت «یا چیز دیگری»
که در ماده درج است، چیست؟ کلمه چیز کلمه‌ای با مفهوم کلی است و
به آزادی می‌تواند شامل بسیاری از امور باشد که بطور مسلم با توجه
به روح قانون و مصادیق مواد بعدی تمام آن امور مورد نظر قانونگذار
نیست مثلاً مسلم است که ساختن يك ميز چوب كردو بر خلاف حقیقت

مانند آنکه جنس اصلی میز از چوب سفید و روی آن لایه‌ای برنگه و نقش چوب گردو باشد و کسی آنرا بعنوان آنکه تمام میز چوب گردوست، عرضه کند، هر چند در بدو امر مشمول عبارات ماده فوق بعنوان جعل خواهد بود، ولی با توجه بمواد بعدی که مجازات‌هایی را برای انواع جعل در نظر گرفته و با توجه بمصادیقی که برای جعل قابل مجازات ذکر می‌نماید، بدست می‌آید که این عمل هرگز منظور نظر قانونگذار از کلمه جعل نبوده است.



نکته قابل ملاحظه اینست که ماورای مواد ۹۸ تا ۱۱۲ مصادیقی برای جعل قانون مجازات وجود ندارد، اعم از آنکه معتقد شویم اصولاً جعلی تحقق نیافته است یا آنکه ممکن است بر حسب لغت عنوان جعل قابل اطلاق باشد، ولی جعل قابل مجازات نباشد؛ چه هدف وضع ماده ۹۷ صرفاً تعریف مقدماتی جعل و تحدید حدود موضوعاتی است که مواد بعدی در تحت عنوان جعل و تزویر برای آنها تعیین مجازات می‌نمایند و هر گاه در تطبیق عنوان جعل بیک واقعه خارجی در یکی از مواد بعدی دچار تردید شویم، ناچار باید برای تشخیص آن بماده ۹۷ قانون مجازات عمومی مراجعه کرد و ماده ۹۷ جزاین اثر و نتیجه‌ای ندارد.

کلمه دیگری که در ماده ۹۷ قانون مجازات عمومی شایان توجه است عبارت **برخلاف حقیقت** است. از این جمله فهمیده می‌شود که کلیه اعمال فوق مثلاً ساختن باید بنحوی باشد که آن نوشته ساخته شده **برخلاف واقع** باشد. مانند آنکه سند حاکی از اشتغال ذمه شخصی نسبت به شخص دیگری برخلاف واقع ساخته شود.

در اینجا مسئله ای بنظر می‌رسد که قابل طرح است: فرض می‌کنیم شخصی مبلغ ده هزار ریال بدیگری پرداخته و از او سند می‌گیرد. دهنده سند اشتبهاً بجای ده هزار ریال هزار ریال می‌نویسد طلبکار برای رسیدن بحق

خود کلمه ده را به آن اضافه می نماید یا آنکه پس از گرفتن سند آنرا مفقود می نماید و مجدداً خود سندی شبیه سند اصلی می سازد یا در فرض سوئی بدهکار در حین تسلیم سند فراموش می کند آنرا امضا نماید، طلبکار بعداً امضای بدهکار را ذیل سند ساخته و بدادگاه ارائه می دهد. آیا این اعمال را می توان مصداق ماده ۹۷ قانون مجازات عمومی دانست؟ در پاسخ باید گفت با توجه به جمله فوق (برخلاف حقیقت) و از اینکه مؤدی و مفاد هیچیک از اسناد ساخته شده فوق برخلاف حقیقت و واقعیت نیست، باید اظهار نظر کرد که اعمال بالا هیچیک جعل مفاد ماده ۹۷ نخواهد بود.

در اینجا ممکن است بدو ایرادی در ذهن آید که منظور از عبارت «بر-خلاف حقیقت» این نیست که مفاد معنای نوشته یا سند برخلاف رابطه حقوقی بین طرفین (واقعیت امر) باشد، بلکه مقصود آنست که ساختن آن برخلاف وضعیت قبلی سند مورد بحث باشد. بعبارت دیگر منظور از عنوان حقیقت وضعیت اصلی سند است نه وضعیت اصلی روابط مالی طرفین.

ولی با کمی تأمل در اطراف وجوایب ماده و روح قانون واضح می شود که ایراد فوق درست نبوده صرفاً يك توهم است؛ زیرا اولاً اگر مقصود مندرج در ماده را وضعیت اصلی سند صادره بدانیم، نتیجه این می شود که عنوان جعل را قابل تطبیق بر موردی که شخصی راساً اقدام بساختن سند مستقلی می کند، نباشد. در حالی که منطق قانونی و مفاهیم عرفی جعل و استیناس ذهنی برخلاف آنست و مسلماً مورد اخیر مشمول عنوان جعل قابل مجازات است.

ثانیاً با توجه بیشتری بعبارت ماده معلوم می شود که منظور از ساختن برخلاف حقیقت مخالف بودن و مندرجات سند با رابطه حقوقی بین طرفین می باشد. و همین معنا نیز در برخورد با جمله بالا بذهن تبادر می کند، و نیز بعید است عدم تطبیق سند ساخته شده با سند قبلی که خود آن برخلاف واقعیت امر تنظیم است، در اصطلاح قانونگذار برخلاف حقیقت تلقی شود.

ثالثاً با توجه به مجموع عبارت ماده ۹۷ و سیاق آن و در نظر گرفتن کلمه

تقلب موجود در ماده و با عنایت به این عبارت: «با تقدیم یا تأخیر تاریخ سند نسبت به تاریخ حقیقی...» و کلمه حقیقی مندرج در آن که مسلماً منظور تاریخی است که با واقعیت قضیه تطبیق نماید، تردیدی باقی نمی‌ماند که منظور از خلاف حقیقت مخالف بودن با واقعیت قضایا و حوادث خارجی است. گذشته از این، هر گاه هیچیک از دلایل فوق نیز وجود نمی‌دانست و صرفاً يك تردید در شمول مواد مربوط به - جعل نسبت بمورد بحث (موردی که مفاد و مندرجات سند مجعول با واقعیت انطباق دارد) وجود می‌داشت، اصل برائت و جایز نبودن تفسیر مقررات جزایی بزیان متهم در موارد مشکوک الزام می‌نمود که آزاد و غیر قابل تعقیب باشد.

در اینجا ایراد دیگری نیز ممکن است بنظر برسد. بدین شرح که منظور از عنوان حقیقت در عبارت بر خلاف حقیقت اینست که نوشته یا سندی که صدور آن به شخصی یا مقامی نسبت داده می‌شود، از همان شخص صادر شده باشد و بر خلاف حقیقت آنست که چنین نباشد. بنا بر این صرفاً ساختن يك سند یا نوشته، هر چند که مفاد و مندرجات آن با حقیقت موافق باشد، جعل محسوب است. ولی با دقت این ایراد نیز از بین می‌رود. زیرا صرف نظر از مباینت این فرض با ظاهر عبارت ماده اگر این فرض صحیح می‌بود، اصولاً قید «بر خلاف حقیقت» زاید بود و فایده‌ای نداشت؛ چون بنا بر این فرض تصور نمی‌شود که ساختن نوشته یا سند موافق با حقیقت نیز وجود داشته باشد تا با ذکر قید بر خلاف حقیقت از آن احتراز گردد، چه هر سند و نوشته‌ای که ساخته شود، مسلماً بوسیله منسوب الیه آن صادر نگردد و باین معنی بر خلاف حقیقت است.

بنا بر این با توجه به جهات یاد شد بالا مسلم است که منظور از خلاف حقیقت، مخالفت مفاد و مندرجات نوشته یا سند با واقعیت است.

قسمت دیگر ماده ۹۷: «یا ساختن مهر یا امضای اشخاص رسمی یا غیر رسمی...» در این جزو ماده قید بر خلاف حقیقت وجود ندارد. اکنون باید دید، آیا ساختن مهر یا امضای اشخاص در صورتی که این عمل در ذیل سندی باشد که مثلاً مندرجات آن منطبق با حقیقت است، جرم است و می‌توان عنوان جعل را بر آن نهاد یا

اینکه بگوییم، هر چند جمله بر خلاف حقیقت در اینجا تکرار نشده است، ولی لحن و سیاق ماده چنین استنباط می شود که بر خلاف حقیقت بودن را قانونگذار در تمام افعال جعل در نظر گرفته و خود را بی نیاز از تکرار آن پس از هر عبارت دانسته است. مضافاً باینکه این گونه تفسیر در مورد تردید بسود متهم است. بنظر می رسد با توجه باینکه وصف موافق یا مخالف بودن با حقیقت را نمی توان به ساختن مهر یا امضای اشخاص نسبت داد، زیرا امضا و یا مهر مفادی ندارد که موافق یا مخالف حقیقت نامیده شود و لذا می توان قید بر خلاف حقیقت را در این مورد نیز ملحوظ داشت. و نیز اگر منظور قانونگذار فقط مهر یا امضایی بود که ذیل اسناد دارای مندرجات خلاف حقیقت ساخته شود، تعیین می کرد. بنا بر این مقصود عبارت فوق شامل ساختن هر نوع مهر یا امضا خواهد بود و از همین جا حکم مسئله ای را که قبلاً بدان اشاره کردیم - مسئله ای که در آن طلبکار ذیل سندی که از بدهکار می گیرد و اشتهاً امضای بدهکار در آن نیست، امضای مدیون را می سازد - از لحاظ تحقق عنوان جعل روشن می شود.

از جمله فوق مطلب دیگری بوضوح کامل استفاده می شود و آن اینکه عنوان «اشخاص» شامل اشخاص حقوقی نیز می گردد. بنا بر این ساختن مهر شرکتها و مؤسسات دولتی و بطور کلی شخصیت های حقوقی نیز جعل خواهد بود.

قسمت دیگر ماده «یا بقصد تقلب خراشیدن یا تراشیدن یا قلم بردن یا الحاق یا محو...» هر چند که «بقصد تقلب» فقط در مورد قسمتی از اعمال آورده شده است، ولی با رعایت لحن و سیاق ماده می توان آنرا مزید بر تفسیری دانست که قبلاً از جمله خلاف حقیقت بعمل آمده؛ زیرا بعید است عمل شخصی که کلمه ده قبل از هزار در رسید می سازد، بقصد آنکه به طلب واقعی خود برسد، عمل تقلب آمیز بنامیم و قصد او را قصد تقلب تلقی نماییم. اگر چه خود عمل فی نفسه قبیح و ناپسند باشد.

و باز در همین ماده ۹۷: «... یا تقدیم یا تأخیر تاریخ سند نسبت بتاریخ حقیقی»

منظور از عنوان **حقیقی** در این مورد نیز واقعیت امر است. بنابراین هر گاه کسی مبلغی بدیگری وجه دستی پرداخته و از او رسید دریافت کند، رسید دهنده در تاریخ مرتکب اشتباه گردد و گیرنده رسید خود تاریخ ناصحیح را تغییر داده تاریخ واقعی در متن سند بسازد، در این حال نمی توان عمل او را جعل دانست، زیرا تقدیم و تأخیر تاریخ نسبت بتاریخ حقیقی بعمل نیامده، بلکه برعکس تاریخ نادرست بتاریخ صحیح تبدیل شده است.

علاوه بر اعمال بالا ماده ۹۷ بکار بردن مهر دیگری را بدون اجازه صاحب آن نیز مشمول عنوان جعل می داند. بدین معنی که شرط شمول جعل باین مورد اینست که مهر دیگری بی اجازه صاحب آن بکار رود، اعم از اینکه قصد تقلب موجود باشد یا خیر. بنابراین حتی اگر شخصی مثلاً مبلغی به شرکتی پرداخت نماید و مدیر شرکت رسیدی بامضای خود بدهد و شخص دهنده وجه مهر شرکت را بدون اجازه مدیر در زیر سند و رسید بنزد، عمل مشمول عنوان جعل است. این مطلب را می توان شاهدهی بر مطالب گذشته در مورد اینکه «ساختن امضا یا مهر اشخاص هر چند در ذیل سند دارای مفاد واقعی و درست باشد، جعل محسوب است»، دانست.

در ذیل ماده الفاظ و نظایر آن موجود است. هر چند این عبارت و اقسام آن را می توان از عباراتی دانست که دارای مفاهیم مجمل و مبهم اند، ولی با توجه به استخوانبندی ماده و مطالب قبلی می توان در تفسیر آن گفت که منظور از آن کلیه اعمال تقلب آمیزی است در نوشتجات که بمنظور حقیقت جلوه دادن اوضاع و احوال و مطالب نادرست انجام می گیرد.

مسئله دیگری که در اینجا طرح می شود، اینست که آیا صرف انجام دادن اعمال مندرج در ماده جعل محسوب است یا اینکه برای تحقق عنوان جعل قابل مجازات وجود قصد سوء استفاده از نوشته مجعول بزیان غیر نیز لازم است. هر چند در مواد مربوط مطالبی که لزوم این قصد را برای تحقق عنوان جعل صریحاً شرط نموده

باشد، وجود ندارد ولی با توجه به مجموعه مواد مربوط و مفاهیم مستنبط از پاره‌ای عبارات موجود در ماده ۹۷ و سایر مواد نظیر جمله (بقصد تقلب) و غیره می‌توان بدست آورد که وجود يك قصد سوء استفاده یا اضرار بغير حتماً لازم است، زیرا عنوان تقلب وقتی محقق می‌شود که شخص فاعل از اعمال خود قصد ایراد زیان بدیگری یا جلب استفاده داشته باشد و الا قصد تقلب صدق ندارد در این قسمت تفاوتی نیست بین اینکه شخصی دیگری غیر از جاعل سوء استفاده از نوشته نماید یا خود سازنده آنرا بکاربرد.

در این قسمت باید متذکر بود که برخلاف شایع **قصد فایده بردن** در تحقق جعل لازم نیست، بلکه آنچه لازم است **قصد استعمال** و بکار بردن آنست، اعم از آنکه برای وارد ساختن ضرر بدیگری باشد یا بدست آوردن برای شخص خود. زیرا ممکن است شخصی سندی فقط برای ضرر زدن به دیگری بسازد بدون لحاظ فایده برای خود.

نکته دیگری که لازم است بیان شود، اینست که وقتی اعمال موصوف در ماده همراه با قصد سوء استفاده و استعمال آن انجام گرفت و نوشته‌ای به آن نحو ساخته شد، جرم تحقق پیدا کرده، هر چند سازنده از استعمال آن بکل منصرف شود و آنرا بدور اندازد؛ زیرا استعمال نوشته ساخته شده مستقلاً جرم دیگری است.

تال علم انسانی

در این مختصر نکات و مطالبی راجع به ماده ۹۷ قانون مجازات عمومی بیان گردید و همانطور که قبلاً اشاره شد، هر چند بر ماده ۹۷ از جهت نداشتن ضمانت اجرایی و مجازات فایده عملی مترتب نیست، ولی از آنجا که این ماده در مقام تعریف عنوان جعل و بیان پاره‌ای از مصادیق آن است، می‌توان آنرا راهنمایی برای تعیین مصادیق موضوعی مواد بعدی مربوط بجعل دانست. بهمین جهت تفسیر و تعیین حدود شمول آن حایز اهمیت بسیار است.